

شناخت

کوروش

جهانگشای ایرانی

رضا ضرغامی

ترجمه‌ی عباس مخبر



نشر مرکز

فهرست

۱	سپاسگزاری
۳	پیش‌گفتار مؤلف
۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	درباره‌ی منابع اصلی
۲۱	درباره‌ی ترجمه‌ی اسامی
۲۱	اسامی باستانی
۲۲	نحوه‌ی ترجمه و ضبط اعلام
۲۳	شخصیت‌های کتاب
۲۷	تبارنمای خاندان هخامنشی (شامل دوران فرمانروایی)
۲۸	تبارنمای خاندان دیوکس (شامل تاریخ فرمانروایی براساس هردوت)
۲۸	خانواده‌ی کورش
۲۹	نقشه
۳۱	پیش‌درآمد
۳۵	۱ ملتی شکوفنده: ورود مادها و پارسیان به غرب ایران
۴۱	ویران‌گری‌های آشوریان
۴۷	استقرار در پارس
۵۳	۲ رژه‌ی شاهنشاهی‌ها: آشوریان، سکاها، و مادها
۵۵	نخستین حرکت‌ها به سمت اتحاد مادها
۵۸	تاخت‌وتاز کوچندگان
۶۳	سقوط شاهنشاهی آشور

- ۴۰۰ نبود هخامنشیان در کتیبه‌های بابلی کورش
- ۴۰۱ نیاز داریوش به مشروعیت
- ۴۰۳ تسهیم قدرت میان اجداد کورش و داریوش
- ۴۰۴ ملاحظات تقویمی
- ۴۰۷ پیوست دو
- ۴۰۷ لقب‌ها و نام کورش
- ۴۰۷ لقب «شاه انشن»
- ۴۱۰ اسامی «کورش»، «کمبوجیه»، و «چیشپیش»
- ۴۱۳ پیوست سه
- ۴۱۳ تأملات بیشتر درباره‌ی پرستش میترا توسط مادها
- ۴۱۳ شواهد مربوط به پرستش میترا در دوره‌ی مادها
- ۴۱۳ ضبط نام میترا
- ۴۱۴ افسانه‌ی دیوکس
- ۴۱۵ میترا و نیسایه
- ۴۱۵ میترا: یک بگ‌ی تمام عیار
- ۴۱۶ مرزهای دنیای ایرانی در مهریشت
- ۴۱۶ شواهد مربوط به هویت التقاطی میترای مادی و شَمَش
- ۴۱۸ کیش میترای مادها: مبتنی بر سیارات و متأثر از بابلی‌ها
- ۴۱۹ شواهد مربوط به هویت التقاطی میترای مادی با نرگل بین‌النهرینی
- ۴۱۹ آشنایی مادها با کیش نرگل
- ۴۲۰ هم‌ذات‌سازی نرگل با میترا
- ۴۲۰ مظهرها و صفات حیوانی نرگل
- ۴۲۲ عنوان کیش حَشْتَرَبْتی
- ۴۲۳ ادعای اجرای قربانی انسانی توسط ایرانیان
- ۴۲۵ خالی از سکنه شدن آبادی‌های مادی
- ۴۲۶ افول بخت میترا در دوره‌های فرمانروایی داریوش و خشیارشا
- ۴۲۶ حرمت‌گذاری گوماته به میترا
- ۴۲۶ هم‌ذات‌سازی گوماته با اژی‌دهاکه
- ۴۲۷ تصفیه‌ی مغان
- ۴۲۷ میترا در بایگانی‌های تخت‌جمشید
- ۴۲۸ رژه‌های نظامی هخامنشی
- ۴۲۸ تعقیب و آزار دیوان توسط خشیارشا
- ۴۲۹ احیای میترا در دوران جانشینان خشیارشا
- ۲۷۵ جهان ایرانی در واقعیت و هنر
- ۲۸۱ پراکنده‌شدن ایرانیان و التقاط فرهنگی
- ۲۸۷ مراکز قدرت: هگمتانه، بابل، شوش، پاسارگاد
- ۳۰۱ اسب‌سفید و کمان: ارتش ایران در دوران باستان
- ۳۰۲ ارتش دائمی ایران
- ۳۰۴ پیاده‌نظام ایرانی
- ۳۰۸ ده‌هزار جاویدان
- ۳۰۹ سواره‌نظام ایرانی
- ۳۱۲ ارابه‌های ایرانی
- ۳۱۴ آموزش، پشتیبانی، و سازماندهی
- ۳۱۹ ارقام و تاکتیک‌های جنگی
- ۳۲۱ شمار تلفات در نبردهای دوران باستان
- ۳۲۲ محاصره و مهارت‌های مهندسی
- ۳۲۴ شاه در جنگ، کورش در مقام یک فرمانده
- ۳۲۹ کورش در مقام پدر: روزهای شکوهمند کورش، شاه ایران
- ۳۳۵ کورش و اشراف ایرانی
- ۳۳۸ خانواده‌ی کورش
- ۳۴۹ نقشه‌های اشغال مصر
- ۳۵۳ راه جنگ‌جو: مرگ کورش در آسیای مرکزی
- ۳۵۵ کوچندگان استپ‌های کاسپین
- ۳۵۸ مرگ در مرز شمال شرقی
- ۳۶۴ کفن‌ودفن در پاسارگاد
- ۳۶۷ شاهنشاهی پس از کورش
- ۳۷۵ پس‌گفتار: میراث کورش
- پیوست‌ها
- پیوست یک
- کورش، داریوش و تاریخ اولیه‌ی سلسله‌ی هخامنشی
- سنگ‌نوشته‌های پاسارگاد و اختراع خط فارسی باستان

۵۲۱	پیوست بیست
۵۲۱	پادشاه هخامنشی به‌عنوان نجات‌دهنده‌ی جهانی
۵۲۳	بازتعریف «قهرمان سلطنتی»
۵۲۵	کتاب دانیال به‌عنوان بازتاب تبلیغات رستگاری بخش هخامنشی
۵۲۸	تبلیغات آخرت‌شناختی در چشم‌انداز بلند تاریخ ایران
۵۲۹	یادداشت‌های پایانی
۶۴۹	کتاب‌شناسی فارسی
۶۵۳	کتاب‌شناسی انگلیسی
۶۹۳	نمایه

ملتی شکوفنده: ورود مادها و پارسیان به غرب ایران

سرزمین‌های راحت همیشه مردمان راحت طلب می‌پرورند.

هردوت: از قول کورش کبیر

آغاز داستان ما به بیش از سه هزار سال قبل بازمی‌گردد، هنگامی که مادها و پارسیان برای اولین بار وارد بخش غربی فلات ایران شدند—سازه‌ای جغرافیایی که از کوه‌های شرق بین‌النهرین و آناتولی تا افغانستان و غرب هند را در بر می‌گیرد. این که آنها از کجا آمدند، هیچ‌کس به واقع نمی‌داند. اغلب پژوهش‌گران جدید، سرزمین اصلی آنها را جایی در آسیای مرکزی می‌دانند، هر چند جاهای دیگری از قبیل جنوب روسیه و حتی آسیای صغیر نیز پیشنهاد شده است. این نتیجه‌گیری‌ها عمدتاً مبتنی بر شواهد زبانی است، نه یافته‌های باستان‌شناختی.

زبان‌های ایرانی به مقوله‌ی بزرگ‌تر زبان‌های هندواروپایی تعلق دارند که یونانی لاتین و سانسکریت از جمله اعضای بارز آن هستند. هندواروپایی‌های ایران و هندواروپایی‌های هند، هر دو، خود را آریایی می‌دانستند. واژه‌ای که بر ولادت آزاد یا اشرافی دلالت می‌کند. کشور جدید ایران نام خود را از واژه‌ی قدیمی آریانام*^۱ گرفته است که به معنای «جزو آریایی‌ها» است. مورخان عقیده دارند که در نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم ق م، هندوایرانی‌ها، یعنی نیای مشترک آریایی‌های ساکن در هند و ایران، به دو گروه تقسیم شدند که یکی از آنها به سمت هند و دیگری مدتی بعد به سمت ایران کوچ کردند.

بنابراین سر برآوردن مادها و پارس‌ها، بخشی از یک حرکت جمعیتی بزرگ‌تر بود که به مهاجرت «ایرانیان» یا «آریایی‌ها» معروف است. با فرض این که این مهاجرت از آسیای مرکزی آغاز

شده باشد، به نظر می‌رسد که مهاجران به سه گروه تقسیم شده‌اند. یک گروه به سمت شرق حرکت کرد و با دنبال کردن مسیر آمودریا در واحه‌های اطراف آن سکونت گزید. این گروه باختری‌ها (باختریش در فارسی باستان)^۱ و سغدیان (سوگوده)^۲ بودند. گروه دیگر شامل آریین‌ها (هریوه)^۳، درنگی‌ها (زرنکه)^۴، و ارخوزی‌ها (هرهوتیش)^۵، به جنوب مهاجرت کردند و اراضی موجود در مرز ایران و افغانستان امروزی را اشغال کردند. در این میان گروه سوم قبایل ایرانی که شامل مادها و پارس‌ها بودند به سمت غرب رفتند و پیش از آن که به سلسله جبال زاگرس برسند، در دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز اسکان یافتند.

اغلب اطلاعاتی که درباره‌ی ایرانیان اولیه داریم از اوستا و ریگ‌ودا به دست آمده‌اند. اوستا کتاب مقدس زردشتیان است. این کتاب به صورت شفاهی و طی سال‌های متمادی تدوین شده است. آغاز تألیف آن دیرتر از قرن ششم قم نبوده و به احتمال زیاد نیمه‌ی از آن پانصد سال قبل از این تاریخ تدوین شده است. اوستا شامل دو مجموعه متن است. مجموعه‌ی اول که کهن‌تر است به زبان ایرانی شرقی، موسوم به اوستایی قدیم، تألیف شده، و مجموعه‌ی دوم ظاهراً در مرحله‌ی بعدی زبان تألیف شده و اوستای تازه نام دارد. اوستای تازه احتمالاً از نظر زبانی «خواهرزاده» یا «برادرزاده‌ی» اوستای کهن است، و نه زاده‌ی مستقیم آن. زبان‌های اوستایی خویشاوندان نزدیک فارسی باستان هستند، اما پیشینه یا پسینه‌ی مستقیم آن نیستند. فارسی باستان تا اواخر قرن چهارم قم در جنوب غربی ایران صحبت می‌شد، و سپس جای خود را به فارسی میانه یا پهلوی داد که در حدود قرن نهم میلادی به فارسی جدید تکوین یافت. از طرف دیگر ریگ‌ودا مجموعه‌ای از سرودها است که به زبان سانسکریت تصنیف شده است. این زبان به لحاظ ساختاری به اوستایی کهن شباهت دارد، اما ارتباطش با آن دورتر است. هر دو متن از نظر فضای جغرافیایی و فرهنگی با هم فرق می‌کنند. ریگ‌ودا در شمال هند و در میان قبایل آریایی مستقر شده در آن منطقه تدوین شد، حال آن‌که اوستا در پی اصلاحات دینی زردشت پیامبر (زرتوشتره‌ی اوستایی) جایی در شرق ایران تألیف شد.

هم اوستا و هم ریگ‌ودا این نکته را روشن می‌سازند که ایرانیان کوچندگان وابسته به دام‌داری بوده‌اند. از میان چارپایان، به خصوص گاو و اسب برای آنها اهمیت داشته است گاو به دلیل این‌که گوشت و شیرش غذای آنها را تأمین می‌کرده، و اسب به دلیل کشیدن ارابه‌هایی که جنگ‌جویان با آن به نبرد می‌شستافته‌اند. بنابراین گاوها و اسب‌ها به دلیل ارزش والایی که برای جامعه داشتند، مناسب‌ترین حیوانات قربانی نیز محسوب می‌شدند. این قربانی‌ها نه فقط به پیش‌گاه خدایان که به

1. Bactrians (Baktrish)
2. Sogdians (Suguda)
3. Areians (Haraiva)
4. Drangians (Zranka)
5. Arachosians (Harahuvatish)

ارواح جنگ‌جویان و فرماندهان بزرگ نیز تقدیم می‌شدند. مناسک قربانی اسب به خصوص اهمیت داشت و در یافته‌های باستان‌شناختی فرهنگ عصر برنز آندرونوو^۱ در آسیای مرکزی، شواهدی در مورد آن موجود است. شماری از کارشناسان این یافته‌ها را با هندوایرانی‌ها مرتبط می‌دانند.

جامعه‌ی ایرانی دارای یک تقسیم‌بندی طبقاتی سه‌گانه بود: روحانیان (ژوترا^۲ اوستایی، به معنی «کسی که برمی‌انگیزد» یا «کسی که مایع مقدس می‌ریزد»)، جنگ‌جویان (رتشتر^۳، «کسی که در ارابه می‌ایستد»)، و گله‌داران (وستره^۴، «شبان» یا واستریوشان^۵، «کسی که دام‌ها را در چراگاه‌ها پروار می‌کند»). در دوره‌های اولیه، روحانیان در امور روزمره جامعه را رهبری می‌کردند. اما هنگامی که نیازهای نظامی جامعه فوریت بیشتری یافت، این شرایط نیز تغییر کرد و طبقه‌ی جنگ‌جویان به قدرت رسید. (۱) به‌رغم این چرخش قدرت، روحانیان همچنان نقش مهمی ایفا می‌کردند. آنها در مقام میانجی انسان‌ها و خدایان، حتی جزئی‌ترین مناسک دینی را نیز کنترل می‌کردند و به پیش‌گویی و سایر وظایف مقدس می‌پرداختند. خدایان اصلی آریایی خدایان طبیعی مانند خورشید (هور^۶)، ماه (ماه^۷) و آسمان (دیوشه^۸) بودند. اما به موازات پیشرفت جامعه، خدایان دیگری نیز وارد صحنه شدند که مفاهیمی انتزاعی از قبیل «پیمان» (میترا^۹) و «مهمان‌نوازی» (آریمن^{۱۰}) را نمایندگی می‌کردند. این امکان وجود دارد که در این مرحله‌ی اولیه، اقلیتی از ایرانیان تعالیم زردشت پیامبر را دنبال می‌کرده‌اند. زردشتیان اهوره‌مزدا را به‌عنوان «خدای خرد» و خدای بزرگ خود پرستش می‌کردند. ایرانیان اولیه سازگار با شیوه‌ی زندگی عشایری خود، کیهان را یک خیمه‌ی بزرگ تصور می‌کردند که با دیرک‌ها و میخ‌هایش برپا نگاه‌داشته می‌شد. نیرومندترین خدایان آنها در فراسوی این گنبد ستاره‌ای به‌سر می‌بردند و عقیده بر این بود که ارواح قهرمانان به سوی آنها عروج می‌کنند. (۲)

ایرانیان حتی پیش از مهاجرت نیز مردمانی شجاع و جنگنده بودند. قدرت نظامی آنها از استادی بی‌نظیرشان در سوارکاری ناشی می‌شد. در واقع یکی از نخستین نمونه‌های یک چرخ ارابه‌ی پره‌دار (حدود ۲۰۰۰ قم) که وسیله‌ی نقلیه‌ی نظامی اشراف در سراسر دنیای باستان بود، در گوری در آسیای مرکزی پیدا شده و عموماً آن را هندوایرانی می‌دانند. در آغاز ارابه تنها بدیل موجود در مقابل جنگیدن با پای پیاده بود. اما به‌مرور زمان و با استفاده از دهنه‌ی برنزی، ایرانیان یاد گرفتند

1. Andronovo
2. zaotar
3. rathaeshtar
4. vastar
5. vstryofshuyant
6. Hvar
7. Mah
8. Dyaosha
9. Mithra
10. Aryaman